

South of Iraq and Geo-Cultural Developments of the Islamic World: Shiite Rimland

Ali Ahmadi *

Received: 2018/12/20

Accepted: 2019/03/11

Abstract

Iraq has a special and strategic status in the Islamic World. It has the distinction of an ancient civilization, remarkable history, and religious institutions such as Najaf Seminary, Imams' Holy Shrines and alike that are considered as geo-cultural components. The socio-cultural ambience of the south has arisen from Shiite culture playing a significant role in the Islamic history and withstanding deviations such as *Salafi* and *Da'esh* cultures. In this relation, religious cities and rituals and Shiite regional unions have had an effective function. Shiite brotherhood and companionship in the region and its manifestations in Arbaeen March has added to the importance of studying southern Iraq's events and issues when dealing with the Islamic world geo-cultural puzzle. Surveying the causes of convergence and the strong bond among the region's Shias and especially the one between Iraqi and Iranian Shias and their impact on the cultural developments and the future occurrences in that area make a good part of the present article.

Keywords: Cultural Geography, Islamic world Geo-culture, Shiite Rimland, South of Iraq

* Cultural geography researcher and member of Culture and Civilization Department at ISU Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication a.ahmadi@isu.ac.ir

جنوب عراق و تحولات ژئوکالچر جهان اسلام: ریملند شیعی

علی احمدی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰

چکیده

عراق در گستره جهان اسلام جایگاه ویژه و راهبردی دارد. سابقه و قدمت تمدنی، موقعیت راهبردی، تحولات تاریخی و تمدنی، حوزه نجف، عتبات عالیات و نظایر آن، بیانگر اهمیت راهبردی و از اجزای ژئوکالچر این کشور است. فضای فرهنگی و اجتماعی جنوب عراق برآمده از فرهنگ شیعی است که در طول تاریخ اسلام نقش آفرینی کرده و تا به امروز در میدان مبارزه با فرهنگ سلفی و داعشی حضور فعال داشته است. در این رابطه، شهرهای مذهبی، برگزاری مراسم مذهبی و اتحاد منطقه‌ای شیعیان، نقش کلیدی داشته است. انس و الفت شیعیان کشورهای منطقه و تجلی آن در پیاده‌روی اربعین بر اهمیت مطالعه جنوب عراق در پازل ژئوکالچر جهان اسلام می‌افزاید. بررسی عوامل همگرایی و پیوند ناگسستنی شیعیان در منطقه و اتحاد عمیق شیعیان جنوب عراق و ایران و تأثیر آن در جریان‌ات و اتفاقات و تحولات فرهنگی و اینکه چه حوادثی را در کشور عراق و منطقه رقم زده است، در حیطه این تحقیق قرار می‌گیرد

واژگان کلیدی: جغرافیای فرهنگی، ژئوکالچر جهان اسلام، ریملند شیعی، جنوب عراق

* پژوهشگر جغرافیای فرهنگی و عضو گروه فرهنگ و تمدن دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات
(نویسنده مسئول)
a.ahmadi@isu.ac.ir

مقدمه

طی سال‌های نیمه اول قرن بیستم میلادی در نظریه‌های "ژئوپلیتیک" بر نفوذ سرزمینی با استفاده از نیروی نظامی و قدرت سیاسی تأکید می‌شد و برای ارزیابی قدرت کشورهای استعمارگر و میزان تسلط و دسترسی آن‌ها به برخی از سرزمین‌ها، نظریه‌های ژئوپلیتیک، گفتمان غالب بود. ژئوپلیتیک، دانش میان‌رشته‌ای جدیدی است که هم از جغرافیا و هم از علوم سیاسی بهره می‌برد. «مضمون اساسی این دانش، بررسی منازعات و رقابت قدرت بر سر تسلط بر سرزمین‌های بیش‌از پیش پهناور است» (لاکوست، ۱۳۹۱، ص. ۸). ترویج چنین دیدگاه‌هایی اوضاع سیاسی را متشنج کرد و حتی منجر به رقابت میان قدرت‌های بزرگ برای غارت منابع سرزمین‌های دیگر شد. نظریه‌هایی که در کانون گفتمان‌های ژئوپلیتیکی در سطح جهان مطرح و جغرافیا در این نظریه‌ها از اهمیت راهبردی برخوردار بود شامل نظریه‌های «کشور» به مثابه یک موجود زنده از فردریک راتزل، نظریه «هارتلند» یا منطقه حیاتی از هلفورد مکیندر، نظریه «فضای حیاتی» از هاوس هوفر، نظریه «ریملند» از نیکولاس اسپایکمن و «قدرت دریایی» از آلفرد ماهان بودند.

از نیمه دوم قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم به دلیل تنفر ملت‌ها از آثار مخرب نظریه‌های ژئوپلیتیکی راتزل^۱، مکیندر^۲ و ماهان^۳، از اعتبار چنین نظریه‌هایی کاسته شد و باعث تجدیدنظر سیاست‌مداران و استراتژیست‌ها نسبت به نظریه‌های مبتنی بر قدرت سخت و ژئوپلیتیک در عرصه جهانی شد. به همین دلیل، دول استعمارگر را به استفاده از روش‌های دیگری غیر از روش سخت و نظامی سوق داد. یکی از راه‌های جایگزین، بهره‌گیری از نظریه‌های مربوط به قدرت نرم بود تا از این طریق منافع خود در کشورهای تحت سلطه را از دست ندهند. در این رابطه، فرهنگ با

^۱ . Ratzel

^۲ . Mackinder

^۳ . Alfred Thayer Mahan

تمام ابعاد مورد توجه قرار گرفت و از "ژئوکالچر"^۱ که حوزه‌ای جدید و مرتبط با ژئوپلیتیک بود، بهره گرفته شد.

در این مقاله جنوب عراق ذیل مطالعات ژئوکالچر بررسی می‌شود. سؤال اصلی این مقاله این است که چرا جنوب عراق در ژئوکالچر منطقه غرب آسیا دارای اهمیت است؟ و چرا عراق در این منطقه از اهمیت راهبردی برخوردار است؟

چارچوب مفهومی

روند استعمارزدایی و استقلال کشورهای آسیایی و آفریقایی طی سال‌های پس از جنگ جهانی دوم ادامه یافت و این شرایط منجر به تحت‌الشعاع قرار گرفتن جغرافیای سیاسی شد. بدینی به نظریه‌های ژئوپلیتیک تا بدانجا رسید که حتی دانشگاه‌ها و محافل علمی نیز به این نظریه‌ها واکنش نشان دادند؛ تا جایی که بعد از جنگ جهانی دوم با در نظر گرفتن ژئوپلیتیک به عنوان تشکیلات حزب نازی منجر به حذف آن از صحنه دانشگاهی شد (میرحیدر و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۰). با آگاهی ملت‌های مختلف جهان از محتوای این نظریه‌ها، تلاش برای کسب "استقلال" سیاسی و "مقاومت" آن‌ها در برابر ظلم و زورگویی کشورهای استعمارگر آغاز شد. مقاومت ملت‌ها باعث شد تا چرخشی در گفتمان سیاسی استعمارگران رخ دهد و شیوه جدیدی را برای تسلط به کشورهای ضعیف‌تر اتخاذ نمایند. بنابراین، نظریه‌هایی که حول محور قدرت ژئوپلیتیکی مطرح بودند به حاشیه رفته و نظریه‌های فرهنگی و تمدنی سربرآوردند. ارائه نظریه برخورد تمدن‌های از سوی هانتینگتون و نظریه پایان تاریخ از طرف فوکویاما و در سال‌های اخیر نظریه‌های استراتژیست‌های اروپایی و آمریکایی همچون والرشتاین و ژوزف نای بیانگر اهمیت فرهنگ و تمدن است.

والرشتاین^۱ (۲۰۰۴) - که نظریه «نظام جهانی» را ارائه کرد- درباره ژئوکالچر بر چهار موضوع مرتبط با دوره‌های زمانی آمریکایی‌سازی، جهانی‌سازی، هژمونی فرهنگی

و مدرنی‌سازی تأکید کرده است: الف) در سه قرن اول نظام جهانی "ژئوکالچر" وجود نداشت (والرشتاین، ۱۹۹۹، ص. ۱۵)، این یعنی تا قبل از انقلاب فرانسه. ب) با انقلاب فرانسه، بخشی از آنچه که امروز با "ژئوکالچر" درک می‌شود، نمایان شد. اما به مثابه تنشی که توسط سه ایدئولوژی: محافظه‌کاری (راست)، لیبرالیسم (میانه) و سوسیالیسم (چپ) ایجاد شد. ج) لیبرالیسم که طی دو قرن ایدئولوژی حاکم بود؛ یعنی از سال ۱۹۸۹-۱۷۸۹. د) هژمونی آمریکایی که در حال حاضر به پایان عمر خود رسیده است و اکنون ما در معرض دوره بی‌نظمی جدید هستیم؛ یک "دوره تاریکی" - تا اینکه "نظام جدید تمدنی" ایجاد شود (بین ۲۰۲۵-۲۰۵۰) و این نظام جدید ادامه خواهد یافت (Cukaj, ۲۰۱۵).

فلیشی و هان ایده اصلی سازماندهی نظریه خود را با مفهوم "ژئوکالچر" ارائه می‌دهند و آن را در مورد واحد تحلیلی خود یعنی تمدن بیان می‌کنند (Wood, ۲۰۱۷). نشانه‌های ژئوکالچریک در سیاست بین‌الملل از سوی والرشتاین و همچنین رابرتسون ارائه شده است. آنان بر این اعتقاد هستند که در سال‌های بعد از جنگ سرد مؤلفه‌های فرهنگی، نقش محوری در سیاست و قدرت ایفا کردند. از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به رشد جنبش «مقاومت» و همچنین گسترش نیروهای ضدساختاری در سیاست بین‌الملل اشاره کرد. در نگرش والرشتاین جنبش مقاومت یکی از شاخص‌های ضدنظام محسوب می‌شود. این امر فرم‌اسیون‌های نظام جهانی مسلط را دچار اختلال می‌کند. بنابراین ژئوکالچر نمادی از سیاست «مقاومت» محسوب می‌شود که چرخه‌های نظام جهانی را به چالش می‌کشد (علیدادی، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۷). آنچه مسلم است در قرن بیست و یکم نظریه‌های قدرت در عرصه سیاست بین‌الملل با محوریت تمدن‌ها ارائه و تحلیل می‌شوند که نمونه‌های اینگونه سیاست‌ها از سوی بازیگران فعال و قدرتمند در جهان به کار گرفته می‌شوند.

زمانی که فضای جغرافیایی مستعد و قابلیت جابجایی و اشاعه فرهنگی و تمدنی وجود داشته باشد، زمینه‌های خلق فضای تمدنی و معرفتی مختص آن تمدن فراهم می‌شود و در آن فضا نظامات مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کارکردهای مطلوبی پیدا می‌کنند. این کارکردها از طریق حرکت اندیشه‌های عناصر فرهنگی و تمدنی جابجا و حوزه‌های مشترک و متحدی را بوجود می‌آورند. برای فهم این فرآیندها ناگزیر به شناخت دانشی میان‌رشته‌ای هستیم که والرشتاین آن را "ژئوکالچر" می‌نامد. والرشتاین در قیاس با ژئوپلیتیک، اصطلاح ژئوکالچر را زیربنای اقتصاد جهانی توصیف می‌کند. چون از نظر او ژئوکالچر از چشم‌ها پنهان‌تر است و بخشی است که بدون آن تغذیه دیگر بخش‌ها ممکن نیست. از نظر او، ژئوکالچر بیانگر چارچوب فرهنگی‌ای است که نظام جهان در محدوده آن فعالیت می‌کند (الرشتاین، ۱۳۷۰).

بر این اساس و با تکیه بر نظریه‌های مربوط به فرهنگ و تمدن، مروری کوتاه بر ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی جنوب عراق خواهیم داشت. سابقه و قدمت تمدنی، جغرافیای تمدن‌ساز، تحولات تاریخی تشیع، و وجود زیارتگاه و بارگاه ائمه معصومین علیهم‌السلام در شهرهای نجف و کربلا، وجود حوزه‌های علمیه نجف و کربلا، موقعیت ژئوپلیتیکی، ساختار جمعیتی و اکثریت شیعی، از مهم‌ترین مختصات و ویژگی‌های این منطقه به‌شمار می‌آیند.

مبانی نظری

تقسیم‌بندی فضای جغرافیایی از اصول دانش جغرافیاست. تنوع و تشابهات فضای جغرافیایی متأثر از ویژگی‌ها و مختصات سرزمینی همچون زبان، قومیت، شیوه زندگی، نژاد، دین و مذهب و نظایر آن است. از منظر جغرافیای فرهنگی موزائیک‌های فرهنگی و تمدنی متنوعی در جهان وجود دارند که هر یک از آنها متشکل از واحدهای فرهنگی منسجم و یکپارچه خود هستند. این واحدهای متحد را می‌توان در قالب حوزه‌های فرهنگی و تمدنی تقسیم‌بندی کرد.

اغلب یک عنصر مهم در تعیین نواحی فرهنگی مورد تأکید قرار می‌گیرد و "هویت" آن منطقه را بازنمایی می‌کند. در جغرافیای فرهنگی و ژئوکالچر نیز مؤلفه‌های فرهنگی و تمدنی به مثابه "عامل" مورد توجه هستند. ژان گاتمن^۱ در کتاب جغرافیای اروپا (۱۹۵۰) که برای مردم آمریکا نوشته بود، بر نقش و عامل "معنوی" در خلق نواحی فرهنگی و تفاوت‌های ملی تأکید کرد. "نمادنگاری" از نظر گاتمن، ابزار مفهومی بود برای درک مناطق فرهنگی از نظر سیستم‌های نمادین سیالی که هویت‌های قلمرویی را تعریف می‌کنند. برای اینکه یک ناحیه از اطراف خود متمایز شود، بیش از یک [عامل طبیعی مثل] دره، به یک زبان و اساساً به یک باور قوی بر اساس برخی اعتقادات مذهبی، دیدگاه‌های اجتماعی یا خاطرات سیاسی و اغلب ترکیبی از همه آن‌ها، نیاز دارد (میرحیدر و میراحمدی، ۱۳۹۶).

بر اساس دیدگاه گاتمن هر ناحیه منحصر به فرد است. نمادنگاری‌ها محصول زندگی مشترک در یک فضای مشخص و معلوم هستند. نمادنگاری توسط مردمی که گذشته را ثبت می‌کنند، تأمین می‌شود و این مردم، شکلی را که این زمینه تاریخی به نسل‌های در حال رشد انتقال می‌یابد، انتخاب می‌کنند. این نمادنگاری شامل ترکیبی از خودانگاره، هویت فضایی، تعلق قلمرویی بر اساس اعتقادات مذهبی، خاطرات سیاسی و دیدگاه‌های اجتماعی است؛ اما نمادنگاری با دلایل سیاسی تقویت می‌شود.

گاتمن بیان می‌کند که قدرت نمادنگاری اغلب نشانه‌ای از سرزندگی یک تمدن است؛ اما نمادنگاری‌های محلی قوی، نشان‌دهنده مقاومت فرهنگی یک جامعه در برابر نیروهای خارجی نیز هستند. بدین ترتیب، بی‌گمان اندازه جمعیت نیست که سرنوشت یک تمدن را تعیین می‌کند، بلکه مسئله مهم انسجام یک جامعه است (میرحیدر و میراحمدی، ۱۳۹۶).

نکته دیگر اینکه در یک نظم سیاسی، عامل حرکت موجب تحرک بخشی به مردم و اندیشه‌ها می‌شود. در یک نظم اقتصادی حرکت فناوری‌ها، سرمایه‌ها و بازار را به حرکت درمی‌آورد. در یک نظم فرهنگی، حرکت باعث می‌شود تا اندیشه‌ها جابجا شود و مردم را به حرکت وا می‌دارد (همان). چنین حرکتی نیازمند داشتن فضای جغرافیایی است که فرهنگ و عناصر تمدنی در آن استقرار یابند. در واقع نواحی مشابه از نظر فرهنگی می‌تواند علاوه بر ایجاد بستر جغرافیایی یک تمدن که فرآیندهای زمانی را هم در آن سامان می‌دهد، زمینه ایجاد یک فضای گسترده‌تری را نیز فراهم آورد. این فضای منسجم از نظر "قدرت" فرهنگی و سیاسی می‌تواند تمدن‌ساز باشد و از طریق روابط فضایی مناسب تقویت شود.

مناطق راهبردی عراق و اهمیت ژئوکالچر آن‌ها

از نگاه جغرافی دانان مسلمان و در دوره‌های متأخر و از نظرگاه اندیشمندان ژئوپلیتیک، عراق جایگاه ویژه و راهبردی دارد. جغرافی دانان مسلمان، عراق را در اقلیم سوم که شامل فارس و عراق و مناطق آن بود، مهم و بااهمیت معرفی می‌کنند. «یعقوبی عراق را مرکز جهان به‌شمار آورده و آن را سره‌الارض یا ناف زمین نامیده است» (به نقل از: قرچانلو، ۱۳۸۰، ص. ۲۸). این سرزمین هم از حیث ظرفیت‌های طبیعی و هم از نظر فرهنگی و تمدنی دارای اهمیت فراوانی است. چنین ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی می‌تواند در آینده تمدن اسلامی بسیار تأثیرگذار باشد؛ چرا که آینده هر سرزمینی نه تنها جدای از وضعیت گذشته و حال آن نیست، بلکه به هم گره خورده‌اند. ترسیم آینده تمدن‌سازی عراق در دیدار اخیر مقام معظم رهبری با نخست‌وزیر این کشور اینگونه بیان شد که "ظرفیت‌های انسانی و منابع غنی زیرزمینی عراق، این کشور را به تأثیرگذارترین کشور در جهان عرب تبدیل خواهد کرد" <http://farsi.khamenei.ir>, (۱۳۹۸).

جغرافیای عراق با دو رودخانه مهم دجله و فرات شناخته می‌شود و دارای دو منطقه مهم "بین‌النهرین" و "جزیره" است. اگر با خطی فرضی عراق را به دو نیمه شمالی و

جنوبی تقسیم کنیم، نیمه شمالی را «جزیره» و نیمه جنوبی را «بین‌النهرین» می‌نامیم. در فاصله میان دو منطقه «بین‌النهرین» و «جزیره» شهر بغداد قرار دارد که در مرز میان آن‌ها جای گرفته است. مقدسی مؤلف کتاب احسن التقاسیم، عراق را جزو «سرزمین عرب» شمرده است (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص. ۹۲).

جزیره

جغرافی‌دانان مسلمان، سرزمین‌های واقع میان دو رودخانه دجله و فرات، که بخش‌های بزرگی از شمال و غرب عراق، و شمال و غرب سوریه کنونی، و قسمت‌هایی از جنوب ترکیه امروزی (مناطق دیار بکر) را شامل می‌شده را «جزیره» می‌گفتند. مهم‌ترین شهرهای این سرزمین موصل، حران، رها، رقه، نصیبین، سنجار، ماردین و آمد بوده است، که برخی از این شهرها همچنان پابرجا می‌باشند («معجم البلدان، ج ۲، ص. ۱۳۵). خاک «جزیره» از سی کیلومتری شمال غربی بغداد آغاز می‌شود و تا پایین فلات حاشیه توروس امتداد می‌یابد.

بین‌النهرین

امروزه عراق به عنوان سرزمینی با سابقه چند هزار ساله تمدن، با نام «بین‌النهرین» شناخته می‌شود. منطقه بین‌النهرین از بغداد تا خلیج فارس متفاوت است و آب در آن، برخلاف جزیره، نقشی عمده دارد. علاوه بر این، دارای مناظر طبیعی متنوعی نیز می‌باشد. ناهماهنگی این بخش با بیابان شام در طول انحنا بزرگی که از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد دارد بسیار مشخص‌تر است (دوری، ۱۳۷۵، صص. ۷۸-۷۷). بین‌النهرین منطقه همواری است که از جانب مشرق به رشته کوه زاگرس و از طرف غرب با شیبی ملایم به سوی بیابان شام بالا می‌رود. در این کشور اصطلاح «بین‌النهرین» به بخش سیل‌گیر و اصطلاح «جزیره» به بخش شمالی این سرزمین اطلاق می‌شود. رودهای دجله و فرات در این ناحیه مانند رود نیل در مصر، سرچشمه حیات و تمدن بوده است. از دوره بابلی‌ها، این دو رود به وسیله کانال‌هایی به هم مربوط بوده و

شاخه‌های متعدد و بارآور سراسر دشت را آبیاری کرده‌اند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰، ص. ۱۱).

منطقه بسیار راهبردی [بین‌النهرین] را می‌توان مرکز تمدنی جهان دانست. ماجرای انبیاء با زندگی حضرت آدم (علیه‌السلام) در سرزمین بین‌النهرین و به طور مشخص کوفه آغاز می‌شود. این مقطع نخستین موضعی است که به اهمیت سرزمین کوفه در آن اشاره می‌شود و این مرکزیت و اهمیت تا قیام آخرالزمان و پایتختی این شهر به عنوان مرکز ملک عظیم ادامه دارد. حضرت نوح (علیه‌السلام) در سرزمین عراق و در کوفه به پیامبری رسید و با آغاز شریعت، تشکیل دولت وی نیز در این سرزمین تحقق یافت. بنا بر روایات، آغاز و پایان طوفان نوح نیز در این مکان مقدس رخ داده است. حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) نیز به عنوان دومین پیامبر اولوالعزم به نقل تورات در حدود چهار هزار سال پیش در عراق کنونی و در کوفه متولد شد و در منطقه‌ای به نام بابل در شمال کوفه که امروز حله نام دارد، دعوت خود را آغاز کرد (همایون، ۱۳۹۸).

سامی‌ها که حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد به آنجا مهاجرت کردند، با تمدن عالی سومری‌ها مواجه شدند و به نام بابلی‌ها و آن‌هایی که در شمال مقیم گردیدند به نام آشوری‌ها خوانده شدند. پایتخت بابلی‌ها، بابل و پایتخت آشوری‌ها، نینوا بود. شهر بابل بر دو کرانه رودخانه فرات در جنوب عراق، در ۹۰ کیلومتری بغداد کنونی بنا شده که امروز به آن حله می‌گویند.

سومری‌ها نخستین قوم از ساکنین بین‌النهرین بودند که در فاصله ۴۵۰۰-۳۵۰۰ سال قبل از میلاد به شهرنشینی روی آوردند و تمدن سومری را پایه‌ریزی کردند و شهرهای خود را بر بالای تپه‌ها و زمین‌های مشرف بر باتلاق‌های بین‌النهرین ساختند که معروف‌ترین آن‌ها عبارت است از: اور، اورک، یا ارخ، نیپ‌پور، لاکاش، اریدو، لارسا (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰، ص. ۱۲).

ویژگی‌های جمعیتی

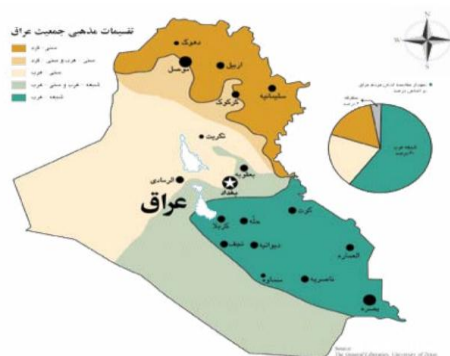
ساختار جمعیتی و اجتماعی عراق، نمایانگر موزائیک رنگارنگ و متنوعی از اقوام، مذاهب و فرهنگ‌ها شامل کردها، اعراب سنی و اعراب شیعه می‌باشد. این اقوام مهم‌ترین بازیگران بومی سیاست در عراق هستند که مطالبات و منافع بعضاً متفاوت و حتی متضادی دارند که مدیریت و تجمیع مسالمت‌آمیز منافع آنان بسیار دشوار و نیازمند فرهنگی کثرت‌گرا و متساهل است. این ویژگی در عراق، بارزتر از دیگر جوامع چندقومی است (پورسعید، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۳). بنابراین بافت انسانی و جمعیتی عراق را سه گروه کردها، عرب‌ها، و ایرانی‌تباران تشکیل می‌دهند. بر اساس آمار ۲۰۱۴، ساختار سنی جمعیت عراق نشان‌دهنده جوانی جمعیت آن است. مطابق همین آمار، ۳۶/۷ درصد دارای سنین صفر تا ۱۴ سال؛ ۱۹/۶ درصد دارای سنین ۱۵ تا ۲۴ سال؛ ۳۶/۳ درصد دارای سنین ۲۵ تا ۵۴ سال؛ ۴/۲ درصد دارای سنین ۵۵ تا ۶۴ سال؛ و ۳/۲ درصد بیش از ۶۵ سال دارند (www.cia.gov).

نقشه جغرافیای فرهنگی و مذهبی عراق نشان می‌دهد که در این کشور مذهب شیعه در اکثریت است و بیشترین جمعیت را به خود اختصاص داده است. اکثریت شیعیان در جنوب عراق ساکن هستند و در شهرهای مهم کربلا، نجف، حله و بصره سکونت دارند. موقعیت معنوی، اقتصادی و استراتژیکی شهرهای این منطقه حکایت از جغرافیای راهبردی برای عراق و البته برای کشورهای سلطه‌گر مثل آمریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی با آرمان از نیل تا فرات دارد. چه بسا در زمان تجزیه امپراتوری عثمانی، عراق بین قدرت‌های غربی تقسیم شد. بریتانیا، فرانسه، اسپانیا و آمریکا در زمره این کشورها بودند.

اعراب که اکثریت جمعیت عراق را دربرمی‌گیرد از نژاد سامی بوده و حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهند. در همین گروه قومیتی و نژادی، بیشترین گروه مذهبی متعلق به شیعیان عراق است. شیعیان عراق در استان‌های کربلا، نجف، المثنی، ذی‌قار، بصره و میسان سکونت دارند (احدی، ۱۳۸۷، صص. ۶۵-۶۴).

پس از انقلاب اسلامی گفتمان وحدت بین مذاهب و در کنار آن مجاورت معنوی و جغرافیایی ملت‌های شیعه منطقه، در منطقه آسیای جنوب غرب مورد توجه قرار گرفت. انس و الفت شیعیان منطقه و بویژه کشورهای ایران و عراق باعث بهبود روابط و افزایش وفاق و وحدت ملت‌های شیعه گردید؛ به طوری که این همدلی و قرابت در پیاده‌روی اربعین متجلی و به نمایش عظیم قدرت شیعه در منطقه تبدیل شد. اما چندی نگذشت تا این هویت شیعی مورد حمله دشمنان اسلام قرار گرفت. اتفاقات ناگواری که در اکتبر سال ۲۰۱۹ عراق بوجود آمد و آمریکا و رژیم صهیونیستی و عربستان، سیاست‌های آشکار و پنهان خود را علیه انسجام ملی و وحدت سیاسی و مذهبی این کشور اجرا و این کشور را به چالش کشاندند. سیاست قدیمی که در سال‌های اخیر نیز بر آن پافشاری و تبلیغ می‌شود. نژادپرستی، قوم‌گرایی، و ناسیونالیسم از جمله رویکردهای جدید آمریکا در کشور عراق است که با هدف جلوگیری از وحدت عقیدتی و مذهبی میان شیعیان کشورهای منطقه صورت می‌گیرد.

یکی از بارزترین ویژگی‌های جمعیتی این منطقه ترکیب جمعیتی آن است. نوجوانان و جوانان بیشترین درصد جمعیت جنوب عراق هستند و بیش از ۳۰ درصد جمعیت این منطقه را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند. در سال‌های اخیر نفوذ آمریکا در عراق بیش از پیش بوده است. انتخاب نوجوانان و جوانان مستعد عراقی و اعزام آن‌ها به آمریکا با هدف آموزش و تربیت آن‌ها جهت پیشبرد اهداف آمریکا در عراق یکی از مهم‌ترین سیاست‌های این کشور بوده است.



نقشه تقسیمات مذهبی جمعیت عراق

نفوذ فرهنگی و ایجاد شکاف میان شیعیان عراقی و کشورهای شیعه منطقه از مهم‌ترین اهداف آمریکا در عراق است. یکی از شیوه‌های دستیابی به این اهداف، تبلیغات از طریق شبکه‌های اجتماعی است. به دلیل گسترش شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، سبک زندگی جوانان و نوجوانان عراقی تحت تأثیر این شبکه‌ها قرار گرفته است. مشاهدات میدانی در پیاده‌روی اربعین نشان می‌دهد نوجوانان و جوانان عراقی شرکت‌کننده در پیاده‌روی دارای سبک خاصی از پوشش و آرایش موی سر هستند. اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹ میلادی شهرهای جنوبی عراق مثل بصره، کربلا و نجف یکی از نمودهای بارز تأثیر شبکه‌های اجتماعی است.

در حال حاضر شبکه‌های ماهواره‌ای برای تغییر فرهنگ و سبک زندگی مردم عراق به شدت در حال فعالیت و پخش برنامه‌های خود هستند. صداها شبکه ماهواره‌ای غربی افکار مردم مسلمان عراق را بمباران فکری و خبری کرده‌اند. در عراق مدهای غربی در حجم وسیعی الگو می‌شوند. مد لباس از غربی‌هاست، در معماری و حتی در رفتار خانوادگی الگو می‌دهند. بیش از ۱۲۰۰ شبکه تلویزیونی در عراق در حال تبلیغ سکولاریسم و بی‌دینی هستند (اکبری، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۹).

کربلا و نجف و اهمیت راهبردی آنها

اعتقاد و علاقه شیعیان به زیارت کربلا و مشاهد متبرکه واقع در شهرهای جنوب عراق یعنی کربلا، نجف و کاظمین از مهم‌ترین عوامل جذب شیعیان به شهرهای مذهبی این منطقه از عراق است. اما در طول تاریخ و دوره‌های مختلف، حکومت‌های حاکم بر عراق با مخالفت و شکنجه‌های شیعیان همراه بوده است. از دوره بنی‌امیه گرفته تا دوره امپراتوری عثمانی و زمان حکومت صدام، با نهایت شدت علیه شیعیان و زائران کربلا عمل می‌شد. در طول دوره‌های تاریخی از سال ۶۱ هجری تا کنون، کربلا در ژئوکالچر شیعه اهمیت ویژه‌ای داشته و این نقش در حال حاضر در گفتمان تمدنی شیعه و ایجاد تمدن نوین اسلامی بسیار پر اهمیت‌تر از سابق شده است؛ چرا که کربلا قلب تپنده شیعه و کانون همگرایی شیعیان جهان می‌باشد.

نجف اشرف و حوزه علمیه آن، جایگاه مهمی در شهرهای منطقه جنوب عراق دارد. مسیر نجف به کربلا یکی از چند مسیر پیاده‌روی اربعین محسوب می‌شود. حوزه علمیه نجف اشرف یکی از حوزه‌های مهم عالم تشیع است و از حوزه‌های فعال در عرصه‌های مختلف سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی است. تعامل با حوزه علمیه قم و حضور مراجع شیعه ایرانی در آن، بیانگر سابقه درخشان و تأثیرگذار این حوزه علمیه در عراق و جهان اسلام و جهان تشیع می‌باشد. جریان‌سازی و راهبری شیعه را نمی‌توان از حوزه علمیه نجف جدا کرد. تداوم حضور مراجع در فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی کشور عراق و ارتباط با سایر حوزه‌های علمیه شیعیان جهان اهمیت ژئوکالچری خود را نشان می‌دهد.

سایر شهرها

بغداد در دو سوی دجله قرار دارد. این شهر که در قرن دوم / هشتم میلادی ایجاد شد، تا انقراض سلسله عباسیان مرکز خلافت ایشان بود و قرن‌ها مرکز فرهنگی جهان اسلام به‌شمار می‌رفت. پس از سال ۶۵۶ ه.ق به مرکز ولایت تبدیل شد و در عهد عثمانی‌ها نیز به صورت مرکز «ولایت» بغداد باقی ماند و در سال ۱۳۳۹ / ۱۹۲۱ به‌عنوان پایتخت جدید عراق معرفی شد (دوری، ۱۳۷۵، ص. ۱). بنابراین، بغداد از چندین حیث از جمله تاریخی، فرهنگی و سیاسی مانند قدمت چندهزار ساله از زمان کلدانی‌ها، به عنوان یک شهر قدیم اسلامی و مرکز سیاسی خلافت بنی‌عباس قرار گرفت که منصور شهر خود را مدینه‌السلام (شهر صلح) نامید؛ مرکزیت فرهنگی و وجود مدارس، نظامیه‌ها، کتابخانه‌های قدیمی و انتخاب این شهر برای پایتخت بودن عراق جدید حاکی از اهمیت راهبردی آن است. آثار فرهنگی و مقبره برخی از مشاهیر ایرانی در بغداد نیز حکایت از حضور ایرانیان در عراق دارد. در این شهر، مقبره غزالی فیلسوف اهل طوس قرار دارد که دارای آثار معروف و بسیاری است. مقبره سهرودی فیلسوف معروف ایرانی و مسلم نیشابوری نویسنده کتاب معروف صحیح مسلم که اهل تسنن به کتاب او

رجوع می‌کنند، در بغداد واقع شده است. به دلیل حضور حکومت شیعی آل بویه در بغداد، آثار فرهنگی و تاریخی این دوره در بغداد وجود دارد.

بندر بصره از دو جهت دارای اهمیت راهبردی است. اهمیت اقتصادی و تجاری این شهر و دیگری اهمیت دسترسی به آبهای آزاد خلیج فارس می‌باشد. وجود ذخایر نفت و گاز در این شهر بیانگر جایگاه ویژه آن برای اقتصاد عراق است. نبض اقتصادی عراق در بصره و شهرهای دیگر مثل کرکوک (شهر نفتی و وجود پالایشگاه‌های نفت) می‌تپد. این شهر تنها راه دسترسی عراق به آبهای آزاد می‌باشد و از طریق بندر بصره و ارون‌درود این دسترسی و حمل و نقل دریایی انجام می‌پذیرد.

اتحاد منطقه‌ای شیعیان

از زمان به قدرت رسیدن حزب بعث به ریاست صدام تا شکست او در سال ۲۰۰۱، شیعیان عراق تحت فشارهای سیاسی حکومت بودند و هر گونه جریان فکری و فرهنگی آن‌ها توسط دیکتاتوری صدام از میان برداشته می‌شد. مبارزات شیعیان و نقش مؤثر مرجعیت شیعی باعث شد تا صدام و حزب بعث از صحنه سیاسی عراق ساقط و گروه‌های مبارزاتی شیعی احیا و تقویت شوند.

هر ساله در روز اربعین حسینی شیعیان برای زیارت عتبات و شرکت در پیاده‌روی اربعین در عراق حضور می‌یابند. چنین حضور معنوی و بزرگ در مقیاس منطقه‌ای، اتحاد شیعیان را متجلی می‌کند و نماد پیوستگی و هویت مشترک شیعیان منطقه است. شیعیان ایران، آذربایجان، بحرین، عراق، لبنان، افغانستان، ترکیه، پاکستان و هند در یک فضای معنوی و مذهبی و با برپایی منسک اربعین زیارت امام حسین (علیه‌السلام) این هویت شیعی را تقویت می‌کنند. در حال حاضر، مذهب شیعه عامل اصلی اتحاد شیعیان کشورهای منطقه است و از این منظر، به دلیل پشتیبانی و حمایت جمهوری اسلامی ایران، میان دولت‌ها و مردم این کشورها ارتباط قوی وجود دارد و چنین ارتباطی به منزله اقتدار جمهوری اسلامی ایران در منطقه به شمار می‌آید.

در غرب آسیا قابلیت‌های فرهنگی از قابلیت‌های مهم و مؤثری برخوردارند. در این میان، مذهب شیعه بیشترین پتانسیل را برای نظم‌بخشی در ژئوکالچر منطقه داراست. بنابراین مهم‌ترین نماد ژئوکالچر که زمینه انسجام‌بخشی و هم‌افزایی شیعه را در گستره منطقه‌ای فراهم آورده است، زیارت عتبات عالیات و بویژه پیاده‌روی اربعین است که محور تجمع عظیم شیعیان در عراق می‌باشد. زائران میلیونی اربعین از مرزهای فیزیکی و سخت عبور می‌کنند و در چارچوب امت واحده و باورهای شیعه، نظم فرهنگی و تمدنی خلق می‌کنند. این یعنی ژئوکالچر جدید تشیع در منطقه که با گفتمان «مقاومت» در برابر نظام جهانی و آمریکایی‌سازی ایستاده است. بنابراین، جغرافیای فرهنگی شیعه نسبت به چند دهه قبل بسیار متفاوت شده و گستره آن از ایران تا سواحل دریای مدیترانه کشیده شده است. ملت‌های شیعه، ملت‌های متفرق و پراکنده نیستند، بلکه با یک هویت مشترک به دنبال همگرایی و ایجاد یک واحد تمدنی برای شکل دادن به ژئوکالچر جدید تشیع منطقه هستند. عزاداری و تشکیل هیئات مذهبی در نقاط مختلف جهان و اعلام موجودیت شیعه با گفتمان ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، بیانگر گسترش و توسعه ژئوکالچر شیعه در جهان است.

غرب برای مقابله با چنین اتحاد و انسجامی در منطقه‌ای حساس و استراتژیک، شبکه‌ای از سیاست‌های اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی و به‌طور خاص ایران‌هراسی در رسانه‌های غرب ارائه کرد تا از نفوذ فرهنگی و تمدنی جمهوری اسلامی جلوگیری شود. در این رابطه، غربی‌ها به این نتیجه رسیدند که اتحاد شیعیان منطقه به معنای تبدیل شدن ایران به یک قدرت منطقه‌ای بلامنازع در غرب آسیا و عقب‌نشینی آمریکا و اسرائیل از این منطقه خواهد بود. خروج نیروهای نظامی آمریکا از شمال شرق سوریه و اصرار دولت‌های عراقی برای خارج شدن نیروهای آمریکایی از عراق نمونه‌هایی از این عقب‌نشینی هستند. این عقب‌نشینی در واقع تحقیر بزرگ آمریکایی‌ها در منطقه بود که برای فرار از این تحقیر اقدام به شهادت سردار سلیمانی کردند. در واقع یکی از عوامل اصلی شکست آمریکایی‌ها در منطقه، مقاومت و حضور فرماندهان مقاومت از جمله

سردار قاسم سلیمانی بود. فرماندهی جبهه مقاومت توسط سردار قاسم سلیمانی نه تنها باعث شکست‌های پی‌درپی آمریکایی‌ها در منطقه شد، بلکه آینده حضور آن‌ها در عراق و سوریه را به شدت تضعیف می‌کرد. ترامپ برای فرار از این تحقیر آمریکا در عراق اقدام به ترور سردار سلیمانی کرد (<http://irdiplomacy.ir/fa/news>).

بنابراین انسجام‌بخشی و ایجاد وحدت در میان شیعیان و خلق یک حوزه وسیع ژئوکالچر، به معنای حضور فعال منطقه‌ای شیعه تا ساحل مدیترانه است. چنین برداشتی از نگاه مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران، تحت عنوان "هلال شیعی" یاد می‌شود و این موضوع حکایت از گسترش عمق راهبردی شیعه تحت رهبری ایران در غرب آسیا دارد. بنابراین، اساس مخالفت و دشمنی غرب با جهان اسلام، نگرانی از وحدت و یکپارچگی دینی و مذهبی آن‌هاست که واجد قدرت، اقتدار و مقاومت در مقابل زورگویی‌های آن‌ها می‌باشد.

رسانه‌هایی مثل الحرة آمریکایی در پی جدایی و انفکاک بین ملت‌های شیعی است و مشکلاتی که در حال حاضر وجود دارد مربوط به تبلیغات سیاسی علیه شیعیان جنوب عراق است که در اکتبر سال ۲۰۱۹ باعث اعتراضاتی در شهرهای این منطقه شد. اربعین حسینی در پیوند ملت‌های شیعی بسیار مؤثر است و این پدیده معنوی و مذهبی شیعه در آینده نیز نقش راهبردی و تأثیرگذاری در منطقه و کشورهای مسلمان خواهد گذاشت.

واقعیت این است که کشورهای منطقه غرب آسیا از نظر تاریخی، فرهنگی و تمدنی اشتراکات فراوانی دارند. اشتراکات قومی و مذهبی میان ایران و عراق در طول سال‌های پس از سقوط صدام باعث تعاملات و مراودات مردم دو سوی مرز هم از جهت قومی و هم از نظر زبانی و هم تعلقات فرهنگی شده است. در زمان حاکمیت حزب بعث عراق و حمله صدام به شیعیان جنوب عراق، جمعیت زیادی از شیعیان عراق به شهرهای ایران مهاجرت کردند. در استان خوزستان و استان بصره نیز تشابهات فرهنگی دیده می‌شود. عرب‌های ایرانی و عراقی ساکن دو استان عرب‌نشین در تعامل با هم

هستند و تأمین بخشی از مایحتاج زندگی در قالب تعاملات تجاری در استان‌های بصره و خوزستان انجام می‌پذیرد.

عوامل مهمی در اتحاد منطقه‌ای شیعیان و تقویت ژئوکالچر جنوب غرب آسیا نقش دارند. پیاده‌روی اربعین به مثابه حرکت اندیشه‌های مذهبی شیعه در فضای جنوب عراق و بالتبع پیوستن شیعیان سایر مناطق به آن موجبات تقویت جغرافیای فرهنگی شیعه و ژئوکالچر شیعه در گفتمان‌های تمدنی جهان می‌شود. مراودات اقتصادی و تجاری نیز بر اتحاد منطقه‌ای شیعیان می‌افزاید. تبادلات تجاری مردم ایران و عراق و ایجاد مناطق مشترک اقتصادی در زمره عوامل اقتصادی است. هر چند در سال‌های اخیر ایجاد منطقه‌ای اقتصادی در منطقه اروندرود از سوی کشورهای اروپایی مثل ایتالیا و آلمان و کشورهای منطقه مثل امارات باعث کاهش تبادلات اقتصادی مردم جنوب عراق و ایران می‌شود، اما پدیده گردشگری زیارت شیعیان عراقی و ارتباط مداوم با اماکن مقدس مشهد و قم باعث حفظ وفاق و اعتماد میان شیعیان دو کشور شده و از ایجاد گسل‌های فرهنگی و مذهبی جلوگیری می‌کند. در این راستا گردشگری سلامت را نیز به این مجموعه می‌توان افزود.

بررسی تاریخ تحولات فرهنگی و سیاسی پنج دهه گذشته نشان می‌دهد که نیروهای بازدارنده از شکل‌گیری همگرایی و پیوند عمیق شیعیان در منطقه به تدریج از مسیر اتحاد شیعیان برداشته شده و همین اتحاد منشأ بسیاری از اتفاقات شده است. در این رابطه انقلاب اسلامی مانع اول این اتحاد یعنی شاه را از میان برداشت؛ مانع دوم صدام دیکتاتور بود که انهدام سلطه استبدادی او در عراق آثار مثبتی داشت؛ مانع سوم اشغالگران آمریکایی بودند که با مبارزات مردمی و حشدالشعبی عراق حذف شدند؛ مانع چهارم تکفیری‌ها و داعشی‌ها بودند که با کمک نیروهای مردمی عراق شکست خوردند. اما یک مانع همچنان باعث ناامنی و گاهی شورش‌های اجتماعی در شهرهای عراق می‌شود و آن اینکه برخی از نارسایی‌های زیرساختی و عدم توسعه و البته در کنار آن عوامل تبلیغی بیگانگان و در رأس آن‌ها آمریکا و اسرائیل موجب نارضایتی

عمیق مردم می‌شود؛ به نحوی است که حتی شیعه علیه شیعه، فریب می‌خورد و خون هم وطن خود را می‌ریزد.

بنابراین اشتراکات میان جمهوری اسلامی ایران و عراق در سه مورد جمع‌بندی می‌شود: اول مجاورت و قرابت جغرافیایی است. قرابتی که در طول مرزهای جغرافیایی فرهنگ ایرانی در آن گسترش یافته است. اشاعه جغرافیایی فرهنگ ایرانی و زبان ایرانی در عراق از مشترکات دو کشور محسوب می‌شود؛ دوم مشترکات مذهبی میان شیعیان دو کشور که برگزاری مراسم و آیین‌های مذهبی در عتبات عالیات دو کشور نمونه بارز آن است؛ و سوم حضور فعال مرجعیت در حوزه‌های علمیه دو کشور است که همواره موجب تقویت اتحاد شیعیان دو کشور بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

منطقه غرب آسیا و به‌طور خاص جنوب عراق از اهمیت ژئوکالچر برخوردار است. در این منطقه گروه‌های تروریستی سازمان‌یافته و افراطی‌گری مذهبی تحت حمایت همه‌جانبه آمریکا شکل گرفت که حرکتی در جهت تخریب فرهنگ و تمدن اسلامی بود. چنین سیاست‌هایی بیانگر حرکت از مرزهای سیاسی و کمرنگ شدن مفهوم ژئوپلیتیک و ورود به عرصه ژئوکالچر و جلوه‌گری فرهنگ و تمدن در منطقه غرب آسیا و در جنوب عراق بود. برای مقابله با چنین جریانی، جنبش‌های مقاومت ایجاد شد. جنبش‌های مقاومت متأثر از مذهب شیعه با حضور فعال فرماندهان مقاومت از جمله شهید سردار قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس، عماد مغنیه و سایر همزمان‌شان در کشورهای منطقه بوجود آمد.

از بین عوامل ژئوکالچر، مذهب بیشترین تأثیرگذاری را در منطقه و جنوب عراق ایفا می‌کند. مذهب تشیع به دلیل گستردگی جمعیت در چند کشور منطقه و حضور میلیونی آن‌ها در مناسک دینی و مذهبی بیانگر نقش فعال مذهب در منطقه است. نمونه

بارز آن راهپیمایی اربعین است که آن را باید در همین بافت^۱ مورد تحلیل قرار داد. از این‌رو، مذهب شیعه نماد مقاومت در طول تاریخ اسلام و تجلی و نماد ژئوکالچر مقاومت در منطقه است.

تغییر و تحولات اخیر در منطقه و بویژه کشورهای مقاومت، توجهات را از حوزه سخت ژئوپلیتیک به حوزه نرم ژئوکالچر سوق داده است. همین امر نظریه‌های تمدن و آخرالزمانی را تقویت کرده است. منطقه راهبردی جنوب عراق به عنوان منطقه اصلی ژئوکالچر شیعه در آینده تمدنی جهان اسلام نقش مهم و بسزایی خواهد داشت. جمعیت شیعیان با وجود اینکه از نظر پراکنش و توزیع در کشورهای مختلف و جدا از هم قرار گرفته‌اند، اما با محوریت مذهب به یک قدرت واحد و یک واحد تمدنی منسجم تبدیل شده است. بنابراین در حوزه تمدنی منطقه غرب آسیا، ژئوکالچر شیعه دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ای است که در آینده تمدن اسلامی نقش فعالی داشته و شیعه به دنبال کنشگری و ایفای نقش فراسرزمینی خود در این زمینه است.

کتابنامه

۱. احدی، محمد (۱۳۸۷)، *جغرافیای امنیتی کشورهای همجوار*، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهد صیاد شیرازی.
۲. اکبری، حسین (۱۳۸۸)، *بحران حاکمیت در عراق*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۳. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۰)، *باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹)، *برآورد استراتژیک عراق آینده*، مطالعات راهبردی، شماره ۴۷.
۵. دوری، عبدالعزیز (۱۳۷۵)، *بغداد*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی - ایرج پروشانی، تهران: بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، چاپ اول.

سایت <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۴۲۱۷۸>

^۱. context

۶. علی‌دادی، شهربانو (۱۳۸۸-۱۳۹۰)، انقلاب ایران و ژئوکالچر مقاومت در سیاست بین‌الملل (۲۰۱۱-۱۹۷۹)، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴.
۷. فولر، گراهام ای و فرانکه، رند، شیعیان عراق، ترجمه رحیم تبریزی و خدیجه ادیان، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۶.
۸. قرچانلو، حسین (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۹. مقدسی، محمدبن‌احمد (۱۳۶۱)، *أحسن التقاسیم*، ترجمه علی نقی منزوی، چاپ اول، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
۱۰. یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله (قرن هفتم ه.ق.)، *مجمع‌البلدان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۱. میرحیدر، دره و میراحمدی، فاطمه‌السادات (۱۳۹۶)، *سیر اندیشه در جغرافیای سیاسی سنتی و مدرن (۱۸۹۷ تا اواخر دهه ۱۹۸۰)*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. والرشتاین، ایمانوئل موریس (۱۳۷۷)، *سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی*، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نشر نی.
۱۳. همایون، محمدهادی (۱۳۹۸)، *چهل ستون تمدن*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۱۴. Joseph R. Wood, ۲۰۱۷, A Review of Geoculture: Plaidoyer pour une civilization durable, the institute of world politics.
۱۵. Cukaj, Ilirjan; ۲۰۱۵, Geoculture world system, access to Balkan and Albania, Academic Journal of Business, Administration, Law and Social Sciences, Tirana, Albania
<http://irdiplomacy.ir/fa/news>